

# خبرنامه مؤسسه توانمندسازی مهر و ماه

## بهار و تابستان ۹۷





## فهرست مطالب

مهروماه ..... ۴

کودکان ..... ۱۴

زنان و خانواده ..... ۲۶

بوی ماه مهر ..... ۳۳

گزارش تصویری ..... ۳۶

### هیئت تحریریه:

سمانه گلاب  
عاطفه طلوعی

### مسئول اجرایی:

هانیه ایمانی

### صفحه آرایی:

بهناز شعبانزاده

### عکاسان:

عاطفه طلوعی  
هانیه ایمانی

نشانی: تهران- اتوبان یادگار امام شمال- خیابان ایثارگران شمالی- خیابان امامزاده داوود-

کوچه عمومی- پلاک ۴.

تلفن: ۰۲۱-۲۲۳۸۲۶۶۵

ایمیل: mehromah.far@gmail.com

کانال تلگرام: <https://telegram.me/mehromahngo>

اینستاگرام: mehromah.ngo

سایت: [www.mehr-o-mah.com](http://www.mehr-o-mah.com)

## مهر و ماه در یک نگاه

موسسه مهروماه سال ۹۷ را از ابتدا با برنامه‌ای مشخص آغاز کرد و تلاش داشت با اتکا به تجارب سال‌های گذشته منسجم‌تر از قبل فعالیت‌های خود را ساماندهی کند. فعالیت‌های موسسه در سه محور اصلی «آموزش»، «مددکاری اجتماعی و روانشناسی» و «توانمندسازی» پیش گرفته شد و کمیته‌ها و گروه‌های مختلف در مهروماه با هدف قراردادادن این سه محور فعالیت‌های خود را برنامه‌ریزی کرده و پیش بردند. در کنار این سه هدف عمده، مهروماه همواره بر آموزش‌های مکمل با هدف رشد استعداد کودکان و تربیت همه‌جانبه آنها نیز تأکید داشته است. کلاس‌های فرهنگی و هنری موسسه و جشن‌ها و اردوهای برگزار شده در طول سال در راستای همین هدف بوده است. آنچه در ادامه می‌آید نگاهی کوتاه به عملکرد مهروماه در شش ماه نخست سال است.

## آموزش

فعالیت‌های آموزشی موسسه مهروماه در دو حوزه اصلی آموزش زنان و آموزش کودکان (تحصیل) پیگیری می‌شود. در حوزه آموزش کودکان هدف مهروماه بر این بوده که کودکان را وارد چرخه آموزش رسمی کند تا هیچ کودکی از تحصیل جا نماند. مهروماه معتقد است باید موانع موجود بر سر راه تحصیل کودکان برداشته شده و همه کودکان بتوانند در شرایط نسبتاً برابر آموزش ببینند. ایجاد چنین شرایطی اگرچه جزو وظایف دولت‌هاست اما در زمانی که نهادهای دولتی به هر دلیل در این زمینه کارا عمل نکرده‌اند نهادهای مردمی تلاش می‌کنند در راستای مسئولیت اجتماعی خود این خلأ را پر کنند.

کمیته مددکاری اجتماعی و روانشناسی مهروماه چنین وظیفه مهمی را بر عهده دارد. اگرچه طرح فرمان شرایط را برای تحصیل کودکان مهاجر فراهم کرده بود اما بسیاری از این کودکان به دلیل آشنا نبودن با این طرح، نداشتن اوراق هویتی و البته مشکلات مالی باز هم امکان حضور در مدارس را نداشتند. مددکاران اجتماعی و روانشناسان مهروماه تلاش داشته و دارند تا این کودکان را شناسایی کنند و با بررسی موانع تحصیلی یک به یک این کودکان، شرایط را برای تحصیل آنها فراهم آورند. پس از آنکه این کودکان شناسایی

و وارد چرخه آموزش شدند کمیته حمایت تحصیلی موسسه با اتکا به کمک‌های مردمی شرایط مالی را برای تحصیل این کودکان فراهم می‌آورد و وضعیت تحصیلی آنها را دائماً پیگیری کرده و به اطلاع حامیان تحصیلی آنها می‌رساند. در سال تحصیلی ۹۶-۹۷ تعداد ۱۰۵ کودک تحت پوشش حمایت تحصیلی مهروماه بودند که از این تعداد ۱۰۳ کودک توانستند دوره تحصیلی خود را با موفقیت تمام کنند. در تابستان سال ۹۷ نیز برای دوره تحصیلی ۹۷-۹۸ این تلاش‌ها ادامه داشت و در سال تحصیلی پیش رو ۱۵۰ کودک تحت پوشش حمایت تحصیلی مهروماه خواهند بود. علاوه بر ۱۵۰ کودک تحت پوشش این طرح، کمیته حمایت تحصیلی وضعیت تحصیلی ۳۸ کودک مدرسه و پیش دبستانی مهروماه را که نیازمند نظارت بیشتر شناخته شدند، پیگیری می‌کند.



با تمام تلاش‌های انجام شده در کمیته مددکاری اجتماعی و روانشناسی باز هم هستند کودکانی که به دلایل مختلف از جمله کبر سن و نداشتن اوراق هویتی قادر به تحصیل در مدارس نبوده‌اند. مهروماه در سال‌های گذشته بر آن بود که این کودکان را هم تحت پوشش تحصیلی قرار دهد و با این هدف مدرسه مهروماه را ایجاد کرد. در سال گذشته ۱۰ کودک در پایه دوم، ۶ کودک در پایه سوم و ۴ کودک در پایه چهارم در مهروماه دوره تحصیلی خود را زیر نظر معلم‌های باتجربه و همچنین روانشناس متخصص در اختلال آموزش و متخصص

گفتاردرمانی گذراندند. از این کودکان ۱۹ نفر موفق به گذراندن پایه تحصیلی خود شدند. تلاش ما بر این بود که این کودکان در سال تحصیلی پیش رو در مدارس عادی و در کنار سایر همسالان خود آموزش ببینند که این مهم محقق شد و امسال کودکان بازمانده از تحصیل در شیفت بعدازظهر یکی از مدارس منطقه و زیر نظر معلمان مدرسه تحصیل خواهند کرد.



آموزش پیش‌دبستانی مهروماه نیز پرشورتر از سال‌های گذشته به فعالیت خود ادامه می‌دهد. مهروماه از همان ماه‌های ابتدایی فعالیت خود به تجربه دریافت که برخی از کودکانی که نسبت به دیگر همسالان خود آموزش کمتری دیده‌اند وقتی در کنار کودکانی قرار می‌گیرند که در خانواده از شرایط مناسبی برای رشد و آموزش برخوردار بوده‌اند در اثر این اختلاف، دچار افت تحصیلی می‌شوند. بنا بر همین تجربه بود که مهروماه ضرورت برگزاری کلاس‌های پیش‌دبستانی را احساس کرد تا برخی آموزش‌های اولیه در این دوره به کودکان داده شود. این آموزش‌ها در حوزه‌های مختلف از جمله آموزش مفاهیم ریاضی و علوم، آموزش بهداشت، مراقبت از خود و افزایش اعتماد به نفس پیش برده شد. در خرداد ماه امسال ۵۶ کودک دوره پیش‌دبستانی را در مهروماه به پایان رساندند و در سال تحصیلی پیش رو ۹۰ کودک در این دوره‌ها حضور خواهند داشت.

**آموزش تکمیلی:** علاوه بر کلاس‌های آموزشی، مهروماه کلاس‌های آموزش زبان و تقویتی در دوره‌های ابتدایی و متوسطه در دروس فارسی، علوم و ریاضی (پایه‌های مختلف) بازی و ریاضی و الفبا را نیز برای کودکان برگزار کرده است تا از این طریق نیاز کودکان به آموزش‌های تکمیلی را پوشش دهد. در ۶ ماه نخست سال ۳۲۷ کودک در این کلاس‌ها شرکت داشتند (تقویتی ۱۹۷ نفر و زبان ۱۳۰ نفر) و تحت آموزش قرار گرفتند.

**سواد آموزی:** در حوزه آموزش آکادمیک زنان نیز موسسه کلاس‌های سوادآموزی خود را ادامه داد و با برگزاری فعالیت‌های فوق برنامه برای زنان آنها را برای ادامه کار تشویق کرد. در نتیجه این تلاش‌ها تعداد زنانی که به صورت فعال در کلاس‌ها شرکت داشتند قابل توجه بود. در خرداد ماه امسال ۱۹ نفر در پایه اول، ۹ نفر در پایه دوم، و ۱۷ نفر در دوره انتقال کارنامه موسسه مهروماه را دریافت کردند.



## توانمندسازی

بخش کارآفرینی و صنایع دستی زنان از سال ۹۲ کار خود را آغاز کرد. از همان ابتدا تیمی کارآمد و مسئول در این کمیته فعالیت کردند و توانستند بخشی از زنان محله را در کلاسها جذب کنند و با حرفه‌آموزی به آنها درنهایت این زنان را در مرحله ورود به بازار کار حرفه‌ای قرار دهند. در نیمه نخست سال ۱۳۹۷ تعداد ۲۵ نفر در کلاسهای چرم و خیاطی مهروماه شرکت کرده‌اند و آموزش‌های لازم برای کسب این مهارت‌ها را پشت سر گذاشته‌اند. علاوه بر این به طور متناوب آموزش‌های دو نفر برای راسته دوزی با چرخ صنعتی نیز دنبال شده است. با این حال مهروماه تنها به آموزش اکتفا نمی‌کند. کمیته کارآفرینی در این مدت با گرفتن سفارش از حامیان و تولید محصول با کمک زنان، برای آنها درآمدزایی نیز داشت. در نتیجه این اقدام ۴۰ نفر از زنان منطقه با سفارش کار از مهروماه، در منزل فعالیت اقتصادی دارند و ۵ نفر از زنان نیز در کارگاه مهروماه فعالیت کرده و کسب درآمد داشتند. در مجموع در نیمه نخست سال ۹۷، ۹۰۰ محصول در مهروماه تولید شد که این محصولات در ۴ نمایشگاه و بازارچه عرضه شدند.





## مددکاری اجتماعی و روانشناسی

مهم‌ترین فعالیت سازمان‌های غیردولتی به ویژه آنهایی که در مناطق آسیب‌دیده یا در معرض آسیب فعالیت می‌کنند مددکاری اجتماعی و روانشناسی است. در این کمیته تلاش می‌شود در کنار مشاوره‌های فردی با برگزاری کارگاه‌ها و کلاس‌های آموزشی آگاهی جامعه هدف ارتقا داده شود. به همین منظور در شش ماه نخست سال ۹۷، تعداد ۲۰ کارگاه در موضوعات مهارت‌های فرزندپروری (کودکی و نوجوانی و پیش‌فعال)، مهارت‌های زندگی، بهداشت بلوغ، گروه درمانی افسردگی، مدیریت خشم، آشپزی، مدیریت زمان، کاردرمانی کودکان، خودمراقبتی دختران، کارگاه افلاطون، عزت نفس و ارتباط موثر زوجین، تشکیل شد. مشاوره‌های فردی و گروهی فعالیت دیگر کمیته مددکاری اجتماعی و روانشناسی در موسسه مهروماه است. در نیمه نخست امسال ۱۰۴ نفر تحت مشاوره‌های گروهی، ۲۱۱ نفر تحت مشاوره‌های فردی و ۷۶ نفر تحت مشاوره بهداشت زنان بودند. در کنار برگزاری کلاس‌های آموزشی و به‌عنوان یک اقدام فرعی اقدامات حمایتی نیز در دستور کار کمیته مددکاری اجتماعی و روانشناسی قرار دارد و در این راستا تلاش شده است در مواقع بحرانی نیازهای معیشتی و درمانی زنان و کودکان تأمین شود.



## تلاش برای ساختن روزهایی شادتر

همان‌طور که گفته شد مهروماه در کنار این سه محور اصلی، فعالیت‌های دیگری را با توجه به نیاز زنان و کودکان منطقه برای خود تعریف کرده و آنها را نیز دنبال می‌کند. برگزاری کلاس‌های هنری و ورزشی در کنار برنامه‌ریزی برای اردوهای یک‌روزه بخشی از این فعالیت‌هاست. هر انسانی حق دارد از زندگی لذت ببرد، تفریح کند و خاطرات خوش برای خود رقم بزند و مهروماه برای این بهتر زیستن همواره تلاش کرده است. در نتیجه این تلاش‌ها ۱۵۴ کودک در اردوهای بهاره و ۳۱۲ کودک در اردوهای تابستانه شرکت کردند. علاوه بر این کمیته فرهنگ و هنر مهروماه با برگزاری کلاس‌های نقاشی، با من بخوان، نمایش فیلم، آموزش موسیقی، تئاتر، سرود و نقد کتاب جنبه‌های خلاقیت کودکان را نیز پرورش می‌دهد. طی ۶ ماه نخست امسال ۱۰۳ کودک در کلاس‌های فرهنگی و ورزشی مهروماه مشارکت داشتند. زنان نیز از خدمات این کمیته بی‌بهره نبودند و ۳۷ نفر از زنان موسسه در اردوهای تدارک دیده شده حضور پیدا کردند و ۱۷ نفر نیز در کلاس‌های نمایش فیلم شرکت داشتند. کتابخانه مهروماه نیز در این مدت به روال همیشه فعال بود. تأسیس خانه فرهنگ مهروماه گامی دیگر در مسیر گسترش فعالیت‌های فرهنگی مهروماه بوده است که در گزارشی جداگانه فعالیت آن شرح داده می‌شود.



در کنار این اقدامات مهر و ماه با بهره‌گیری از دانش نیروهای متخصص در حوزه‌های مختلف علوم انسانی بر آن بوده که بتواند پژوهش‌های کاربردی‌ای را در چارچوب فعالیت خود پیش ببرد. «بررسی راهکارهای افزایش عام‌گرایی میان ایرانیان و افغانستانی‌ها در فرزند» و «مسئله شناسی دختران جوان در محله» دو موضوعی بود که گروه پژوهش مهر و ماه در سال جاری بر آن متمرکز شد. علاوه بر این کمیته پژوهش با تعریف کار مشترک با چندین انجمن دیگر فعال در حوزه کودک مسئله شناسایی و تعیین اولویت مسائل کودکان را مورد بررسی قرار داد تا با تکیه بر آن بتوان برنامه دقیقی‌تری برای فعالیت‌ها تعریف کرد. این پژوهش‌ها می‌تواند در نهایت به بهینه‌کردن فعالیت‌ها و در راستای تمرکز توان سمن‌ها موثر باشد.

امید ما این است در کنار شما این تلاش‌ها را ادامه دهیم تا بتوانیم فردایی روشن‌تر برای فرزندان سرزمینمان بسازیم.



کارگاه‌ها و منابع شناسایی سازمان‌های مردم‌نهاد

موارد				کارکردها			
							
وابستگی به اجزای سیاسی	عدم عملکرد حرفه‌ای	کمبود بودجه	ناکارایی جامعه نسبت به کارکردها	شد عملی عملکرد دولت	مشاوره به دولت	لغویمجمعی تفاهاتهای اجتماعی	بزرگن شکاف جامعه و دولت
							
ساختار سازمانی نامناسب	نشتن سمن‌ها از دولت	عدم نظارت مناسب باور تضعیف دولت	شدن قانون جامع و کارآمد	کاهش خشنودی اجتماعی	افزایش کارایی‌های اجتماعی مردم	ارتقای فرهنگ مشارکت عمومی	ناکارگاری بر کار نهادهای دولتی
							
توانایی کم در انجام کار تیمی	نداشتن برنامه‌های مدون					توان بالا برای جذب نخبگان اجتماعی	ایجاد هماهنگی و انسجام اجتماعی



مهر و ماه

## کرمانشاه: یک سال پس از حادثه

چیزی به یک ساله شدن فاجعه نمانده است، فاجعه‌ای که در آن تعدادی از هموطنانمان خانه و کاشانه خود را از دست دادند و برخی داغ عزیزان بر دلشان نشست. ۲۱ آبان‌ماه بود که زلزله کرمانشاه به وقوع پیوست. همواره این گونه بوده که در روزهای ابتدایی پس از حادثه سیل کمک‌های مردمی و دولتی به مناطق حادثه دیده سرازیر می‌شود، در این وضعیت آنچه نیاز آن بیشتر حس می‌شود، ساماندهی به کمک‌ها، نیازسنجی منطقه و رساندن اقلام با توجه به نیاز افراد به دست آنان است. مهرماه در همان روزهای نخست پس از واقعه با اعزام نیرو به مناطق و شناسایی روستاهایی که نیاز به کمک جدی‌تر داشتند تلاش کرد در این زمینه گام بردارد. روستای قلعه بهادر در استان کرمانشاه به عنوان محل فعالیت مهروماه انتخاب شد.

اگرچه در روزهای نخست، هدف اصلی، رساندن کمک‌ها و وسایل اولیه زندگی به حادثه‌دیدگان بود اما هیچ‌گاه توجه به نیاز روانی افراد به ویژه کودکان نادیده گرفته نشد و از همین رو یکی از نخستین اقدامات مهروماه در محل روستا، احداث خانه کودک بود. این خانه مأمونی شد برای کودکانی که به یکباره با مرگ عزیزان و از دست رفتن سرپناهمشان روبه‌رو شده بودند. مربیان آموزش دیده مهروماه در کنار دختران روستا که علاقه‌مند به کار با کودکان بودند در این خانه حضور داشتند و با ایجاد کتابخانه و فضای بازی برای

بچه‌ها برای بهبود وضعیت روحی کودکان تلاش خود را آغاز کردند. در کنار این موارد، مشاوره‌های فردی و گروهی برای کودکان نیز ترتیب داده شد. مشاهدات نشان می‌داد این کودکان وضعیت روحی نامناسبی دارند و حضور روانشناس و افراد آشنا به آموزش کودکان در محل الزامی است.



تلاش مهروماه بر این بود که فعالیت‌های خود در مناطق حادثه‌دیده را برای بلندمدت تعریف کند. تجربه نشان می‌دهد در بلندمدت وقتی از شور و داغ ابتدایی حادثه کاسته می‌شود، نیازهای مردم منطقه نیز فراموش شده و اقدامات در جهت بهبود وضعیت با کندی پیش می‌رود و یا حتی متوقف می‌شود. به همین دلیل مهروماه از همان ابتدا بنا را بر فعالیت بلندمدت تا زمان رفع نیاز در منطقه گذاشت و امروز شاهد آن هستیم که خانه کودک مهروماه هنوز در منطقه فعالیت دارد و مأمّن کودکان زلزله‌زده روستاست. در کنار خانه کودک، مهروماه برای بهبود وضعیت زنان منطقه نیز اقداماتی را اجرایی کرده است. خانه توانمندسازی زنان مهروماه حاصل این تلاش بود. در این خانه زنان روستا خیاطی را به صورت حرفه‌ای می‌آموزند و با وسایلی که از طرف مؤسسه تهیه شده است لباس‌های مورد نیاز خود و دیگران را تهیه می‌کنند. در تابستان امسال ۱۲ نفر از بانوان منطقه از این کلاس‌ها فارغ‌التحصیل شدند و دوره جدید کلاس‌های خیاطی آغاز شده است. مهروماه با توجه به هدف توسعه محلی برنامه‌ریزی کرد تا وسایل مورد نیاز کار زنان از جمله پارچه‌های مختلف از همان مناطق زلزله زده تهیه شود تا گامی جهت رونق کسب و کار اهالی نیز باشد.

این فعالیت‌ها تا زمانی که نیاز مردم منطقه وجود دارد، ادامه خواهد داشت. امید ما این است بازسازی این مناطق هرچه زودتر پیش برده شود تا مردمان این بخش از سرزمینمان بتوانند بار دیگر روال عادی زندگی را پیش بگیرند.



## خانه فرهنگ و هنر مهرماه



این روزها از کوچه‌های تنگ فرحزاد که می‌گذری و به نزدیکی خانه قدیمی مهرماه می‌رسی صدای موسیقی و خنده توجهات را جلب می‌کند. پرس و جو که می‌کنی تو را به سمت خانه‌ای راهنمایی می‌کنند که خانه فرهنگ و هنر نام گرفته است. خانه‌ای جدید برای مهروماهی‌ها. با تلاش و همیاری همراهان در تابستان امسال ساختمان دوم مجموعه مهروماه به‌سازی شد تا محلی باشد برای فعالیت‌های فرهنگی موسسه. ساختمان کوچک ما در تمامی روزهای تابستان پر از رنگ و شادی و خنده بود.

### برنده تو و من؛ بازنده غم

حیات خانه فرهنگ و هنر این بار خوش رنگ و پر نقش و نگار میزبان کودکانی است که می‌خواهند چند ساعتی را با بازی و ورزش بگذرانند. کلاس‌های ورزشی کودکان در حیات

برگزار می‌شود آنها ساعاتی را به دور از دغدغه‌های روزمره با هیجان در کلاس‌ها حاضر می‌شوند و در ضمن یادگیری اصول حرفه‌ای ورزش تلاش می‌کنند جسم و روح خود را تازه کنند. کودکان با شور با هم مسابقه می‌دهند و ما می‌دانیم این بازی‌ها و مسابقات فقط به بازنده دارد؛ غم. برای ساعاتی غم در هیچ جای دل کودکان جای ندارد. کلاس والیبال برای دختران، تنیس روی میز برای دختران و پسران و شطرنج نمونه‌ای از کلاس‌های ورزشی برگزار شده در تابستان امسال در این خانه بود.

### کتاب جدید چی داریم؟

کتابخانه مهر و ماه نیز به خانه جدید منتقل شده است. دختران و پسران کتاب‌خوان در روزهای گرم تابستان فراغت بیشتری دارند و کتابخانه روزهای شلوغ‌تری را می‌گذرانند. خاکی را می‌بینم که به تازگی سواد خواندن و نوشتن آموخته است. او نیز گاهی به کتابخانه سر می‌زند و کتاب می‌برد؛ توانایی خواندن دنیای جدید را پیش چشم او باز کرده است.



### من عاشق روی توام کاینگونه بر دف میزنم

در کنار کتابخانه، چشمت به یک کلاس خالی می خورد، کلاسی که تا دقایقی چند میزبان تعدادی از نوجوانان مهروماه است. دخترک وارد کلاس می شود، سازی که برایش تهیه شده را به دست می گیرد، با انگشتان ظریف بر صفحه ساز می کوبد، صدایی که از سازش به گوش می رسد گویی صدای تمام آرزوهایی است که برای دستیابی به آنها هر روز محکم تر از گذشته گام برمی دارد. او این بار با زبان دیگری از رنجها و تلاشهایش می گوید، از غم و شادی، از آرزوها و داشته هایش. صدای ساز با جانت عجین می شود. به همت یاران مهروماه کلاس های دف، بلز برای کودکان، فلوت و سرود در تابستان امسال برپا شد.



### آموزش بر پایه تصویر

از طبقه بالا صدای مهممه کودکانه توجهت را جلب می کند. صدا از کلاس نمایش فیلم است، در این کلاس در طول هفته فیلمهایی برای کودکان، زنان و نوجوانان به نمایش گذاشته می شود و شرکت کنندگان در کلاس پس از نمایش، نظر و برداشت خود را از فیلم



بیان می‌کنند. صدای کودکانه‌ای که با شوق درباره شخصیت اصلی کارتون‌ی که به نمایش درآمده صحبت می‌کند لبخند را بر لبانت می‌نشانند. شاید روزی او بتواند در صفحات سینمایی برای مخاطبان بیشتری از نمایش‌هایی که دیده است بنویسد. شاید در آن روز خاطره خوش کلاس‌های مهروماه همراهش باشد.

### با من بخوان

با داستان کوچکش خمیر کاغذی را ورز می‌دهد در ذهنش موش کوچکی را تصور می‌کند که امروز داستانش را در کتاب خوانده است. قرار است از دل این خمیر بی‌شکل قهرمان داستان امروز بیرون بیاید و با رنگ‌آمیزی کودکانه جان بگیرد. اینجا کلاس با من بخوان مهروماه است. جایی که معلمان با شیوه‌ای بسیار متفاوت از قبل آنچه باید کودکان بیاموزند را به آنها یاد می‌دهند. جایی که کودکان ذهن و فکر و جسم خود را به کار می‌گیرند تا بخوانند و بسازند. این کلاس‌ها جایی است برای آموزش بهتر، عمیق‌تر و خلاقانه‌تر برای کودکان.

### هنر برای دوست

کلاس‌های هنری مهروماه نیز در تابستان امسال فعال بود، کلاس ویترای در دو رده، و طراحی با استقبال نوجوانان همراه بود. کودکان و نوجوانان هنرمند مهروماه امسال نیز کلاس تئاتر خود را با شور و شوق همراهی کردند، لذت و جدیتی که در نگاه آنان هنگام حضور در کلاسها می‌بینی، وصف ناشدنی است.

### نگاهی پر امید به آینده

وقتی از در خانه دوم مهروماه بیرون می‌آیم به این فکر می‌کنم که می‌توانیم حتی در این روزهای سخت، زیبایی را برای هم بیافرینیم، لبخند را بر لبان یکدیگر بنشانیم و دنیای بهتری برای هم بسازیم.

## با تو می خوانم



بچه‌ها چرا ایزی از تاریکی می‌ترسه؟ چرا جنگل برای اون ترسناکه؟ شما اگه جای ایزی بودین از چی می‌ترسیدین؟ اینها سوال‌هایی است که مربی کلاس با من بخوان پس از خواندن کتاب از بچه‌ها می‌پرسد. کودکان در پاسخ به این پرسش‌ها در واقع خود را جای قهرمان داستان می‌بینند، از ترس‌هایشان می‌گویند و با صحبت درباره آن تلاش می‌کنند این ترس‌ها را برای خود کم‌رنگ‌تر کنند. مربی از آنها می‌خواهد چیزهای ترسناکی که ممکن است قهرمان داستان را

بترساند نقاشی کنند، ترس‌های کودکان این بار بر کاغذ نقش می‌بندد ترس‌هایی که شاید از بیان آنها خجالت بکشند.

این برنامه یکی از چندین جلسات با من بخوان در موسسه مهروماه است. برنامه‌ای که بر پایه یک شعار ایجاد شده است: همه کودکان حق دارند کتاب‌های با کیفیت بخوانند؛ برنامه‌ای برای ترویج کتاب‌خوانی با کودکان محروم و کودکان در معرض بحران که موسسه پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان آن را پشتیبانی می‌کند. در این طرح تلاش می‌شود کتاب‌های با کیفیتی که به‌طورمعمول کودکان محروم به آنها دسترسی ندارند به دست آنها برسد، با این حال این برنامه تنها محدود به در دسترس قرار دادن کتاب‌ها نیست. با من بخوان برنامه‌ای چندوجهی است که تلاش دارد با بلندخوانی، مشارکت کودکان در فرآیند

خواندن کتاب، گفت‌وگو درباره موضوع کتاب و درنهایت فعالیت‌های هنری مرتبط با موضوع کتاب هم شوق خواندن را در کودکان بیشتر کند و هم تأثیرگذاری عمیق‌تری بر روحيات کودکان داشته باشد.

مهروماه نیز از زمستان ۹۵ به این طرح پیوست و در نخستین مرحله از اجرای این برنامه ۸۸ کودک پیش‌دبستان و بازمانده از تحصیل تحت پوشش این طرح قرار گرفتند. کم‌کم و با آموزش مربیانی که بتوانند این طرح را در موسسه اجرایی کنند، این طرح گسترده‌تر شد و برای پایه‌های مختلف اجرا می‌شود. این کلاس‌ها در تابستان امسال در رده‌های پیش‌دبستانی، اول و دوم، سوم و چهارم، پنجم تا هفتم و هفتم به بالا برگزار شد. با افتتاح خانه فرهنگ و هنر مهروماه در تابستان امسال کتاب‌خانه کودک‌محور با من بخوان نیز در موسسه راه‌اندازی شد و کودکان مهروماه از این پس به کتاب‌های بیشتری دسترسی دارند.



تجربه اجرای طرح با من بخوان در دو سال گذشته در مهروماه نشان داده است کودکان می‌توانند از طریق این روش ترس‌ها، مشکلات، نیازها و آرزوهای خود را بهتر بیان کنند، یاد می‌گیرند با گفت‌وگو درباره مشکلات خود راه‌های مقابله با آن و غلبه بر ترس‌هایشان را بیابند. در مقابل مربیان نیز شناخت بهتری از کودکان و

روحيات آنها پیدا می‌کنند. اجرای



این طرح‌ها برای کودکان نشان می‌دهد با یافتن روش‌های درست آموزشی، ورود به دنیای کودکان، درک فضای آنها، مهیا کردن فضای امن‌تر روانی برای آنها، آموزش و تغییر رفتارشان می‌تواند ساده‌تر و درعین‌حال عمیق‌تر باشد.

## کودکی گم شده

ویکتوریا فاتحی

صحنه اول: کودکانی که نمی‌خواهند کودک باشند

قرار است هفته‌ای یک بار برای بچه‌های مهروماه فیلم نمایش داده شود. یک ربعی زودتر به اتاق فیلم می‌روم تا مطمئن شوم همه چیز مرتب است. پنج شش پسر، زودتر آمده‌اند و با دیدنم از من می‌خواهند که فیلم را نمایش دهم. برایشان توضیح می‌دهم که فیلم سر ساعت یک نمایش داده می‌شود و نمی‌توانیم زودتر آن را نمایش دهیم.

برای این‌که سرگرمشان کنم و گرما یادشان برود انیمیشن بدون کلام «دزد و روباه» را می‌گذارم. داد و فریادشان به هوا می‌رود که مگر ما بچه‌ایم، ما کارتون دوست نداریم

و ... . فیلم کوتاه است و زود تمام می‌شود. از آن‌ها می‌پرسم داستان فیلم درباره چی بود؟ هیچ‌کدام جواب نمی‌دهند. از آن‌ها می‌خواهم که بار دیگر فیلم را بنیند و تعریف کنند. رقابتی برای تعریف کردن داستان فیلم در می‌گیرد. همگی تعریف می‌کنند ولی همه ناقص. دوباره از آن‌ها می‌خواهم که به فیلم توجه کنند و به این ترتیب فیلم چهاربار نمایش داده می‌شود تا بالاخره یکی از آنان ماجرا را به تمام و کمال تعریف می‌کند. از درست‌دیدن و توجه‌داشتن برایشان می‌گویم. یکی از پسرها



یادآوری می‌کند که ساعت یک شده است و وقت تماشای فیلم. در این فاصله دیگرانی هم به جمع اضافه شده‌اند. دختر و پسر. بیشترشان با پلاستیک‌های بزرگ پر از خوراکی. چیپس، پفک و بستنی.

تا تازه‌واردها بنشینند و نمایش فیلم شروع شود سیل پیشنهادهاست که سرازیر می‌شود: خانم فیلم ترسناک بذارین! آرنولد بذارین! ما فیلم هندی می‌خوایم و نام‌هایی دیگر که من نمی‌شناختم و یادم هم مانده است.

گرما، شلوغی و همه‌بچه‌ها باعث شد که خیلی جدی از آن‌ها بخواهم ساکت باشند و گفتم: «اگر قرار بود فیلم‌هایی این‌چنینی ببینید دیگر نیازی به آمدن به موسسه نبود. این فیلم‌ها را همه‌جا می‌شود دید. در اینجا فیلمی می‌بینیم که جایی دیگر دیده نمی‌شود یا کمتر دیده می‌شود. اگر پیشنهادی دارید و دوست دارید فیلم خاصی نمایش داده شود بعد از تماشای فیلم پیشنهاد خود را حضوری به مربی اعلام کنید.»

بعد از این سخنرانی کوتاه!!! و به‌یقین بی‌اثر کلید شروع فیلم را زدم و نمایش شروع شد. با وجود گرما و سروصدای ناشی از جابه‌جایی صندلی‌های بچه‌های تازه‌وارد و رفت و آمدهای آنان برای نوشیدن آب، توجه و تمرکز بچه‌ها دیدنی بود. پسرها که بیشتر غر می‌زدند بیشتر هم محو تماشای فیلم شدند. خنده‌هایی از ته دل و قیافه‌هایی خیره‌شده به پرده نمایش. دخترها اما به‌آرامی خوراکی‌شان را می‌خوردند و فیلم را تماشا می‌کردند. در پایان، غرولندها هم چنان ادامه داشت:

- اولش خوب بود بعد یهو یی کارتون شد انگار که ما بچه‌ایم.  
و من می‌مانم یک سؤال بزرگ در ذهنم؛ چه شد که کودکی کردن برای کودکانمان ناپسند شده است.

### صحنه دوم: آرزوهای لاکچری

از بچه‌ها می‌پرسم آرزویتان چیست؟

-یه شاسی‌بلند مشکی... اووووف

آخ آخ یه آیفون آخرین مدل داشته باشی. غم نداری

به فکر فرو می‌روم. دقت که می‌کنم می‌بینم در این مدت کوتاهی که با کودکان مهروماه ارتباط داشته‌ام روزی نبوده است که واژه لاکچری را از زبان آنان نشنوم.

مصرف‌گرایی بلایی ویرانگر است که بر سر همه ما آوار شده است. ثروتمند باشی یا از طبقه متوسط یا از قشر ضعیف تفاوتی نمی‌کند؛ همگی یک تصویر ذهنی مشابه از خوشبختی و از یک زندگی ایدئال داریم و فراخور جایگاه اجتماعی خود برای تحقق آن می‌کوشیم، هرچند بدانیم که دستیابی به این الگو سخت و یا حتی غیرممکن باشد.

در روزگاری هستیم که به سبب رفتار حاکمان، واژه‌هایی چون مناعت‌طبع و ساده‌زیستی معنای خود را از دست داده‌اند و مصرف درست منابع و طرد روحیه مصرف‌گرایی به ضدارزش تبدیل شده است. ما آموزش‌گران و تسهیلگرانی که خود بی‌رویه مصرف می‌کنیم و خوشبختی فرزندانمان را در گرو «داشتن» بیشتر می‌دانیم برای خوشبخت کردن کودکان فرودست هم همین نسخه را می‌پیچیم.

در این شرایط سازمان‌های مردم‌نهاد، که به درستی داعیه توانمندسازی جامعه تحت پوشش خود را دارند، می‌بایست تمرکز اصلی و فعالیت خود را بر تغییر تصویر ذهنی کودکان قرار دهند. تغییری که به درک آنان از واقعیت‌های زندگی می‌انجامد.



## پناهی برای روزهای سخت

تقریباً با هم می‌رسیم جلوی در مؤسسه. با اخمی که روی پیشانی‌اش نشسته سوار بر موتور است. به جلوی در که می‌رسد سلام می‌کنم و با جدیت جواب سلامم را می‌دهد. مستقیم به سمت اتاق مددکاری اجتماعی و روانشناسی می‌رود. من هم به سمت اتاق دیگری می‌روم. امروز قرار است با مددکار اجتماعی مؤسسه راجع به ذبیح (نام مستعار) صحبت کنیم. ذبیحی که صبح در بدو ورود جلوی در دیدمش. از مددکار می‌خواهم از زندگی پرفراز و نشیب ذبیح برایم بگوید. از حرف‌های او می‌فهمم که ذبیح ۱۴ ساله است



و بی‌راه نبود که وقتی سوار بر موتور دیدمش تعجب کردم. گویا موتورسواری را دوست دارد. حدود پنج سالگی مادرش را از دست می‌دهد و مجبور می‌شود در کنار پدر و همسر پدرش که هر دو اعتیاد شدید داشته‌اند بماند. کودک پنج ساله هیچ توجهی از سوی پدر و همسرش دریافت نمی‌کرده. آن‌ها حتی برای

ساکت کردن گریه کودک به او مواد مخدر می‌دادند. روزگار پسرک در کوچه پس‌کوچه‌های یکی از شهرهای شمال شرقی ایران در میان آسیب‌های فراوان سپری می‌شد تا اینکه خواهد بزرگ‌تر او از وضعیت او آگاه می‌شود و در سفری او را با خود به تهران می‌آورد.

خواهر در تهران دست‌فروشی می‌کند و به سرطان غدد لنفاوی مبتلا شده، او به همراه همسرش که اعتیاد شدید دارد زندگی می‌کند. اما تنها کسی که در میان اعضای خانواده از ذبیح مراقبت می‌کند همین خواهر اوست.

ذبیح به دلیل شرایط سختی که در کودکی داشته به لحاظ شناختی رشد درستی نداشته. او بسیار پرخاش‌گر و دارای تمرکز اندکی بوده اما از زمانی که با همکاران مؤسسه ارتباط خوبی برقرار کرده بسیار تغییر کرده است.

اینها، حرف‌هایی است که مددکار اجتماعی مهروماه راجع به ذبیح می‌گوید. او در ادامه می‌گوید: ذبیح مدت سه سال است که در مؤسسه مشغول به تحصیل است و در این مدت تغییرات زیادی در او حاصل شده. او که بسیار سخت ارتباط برقرار می‌کرده در این روزها مؤسسه را پناهگاه خود می‌داند و هر مشکلی که داشته باشد به سراغ ما می‌آید و با ما حرف می‌زند. از مسائلی که با خانواده دارد تا اینکه عاشق شده را با ما در میان می‌گذارد. او به دلیل مشکلات اساسی‌ای که دارد در تحصیل دچار مشکل است و هنوز در پایه سوم ابتدایی تحصیل می‌کند.

معلم ذبیح درباره او می‌گوید: امسال سومین سالی است که او در مؤسسه درس می‌خواند. روزی که برای امتحان تعیین سطح به مؤسسه آمد را به خوبی به یاد دارم. سه سال پایه اول ابتدایی را در مدرسه دولتی خوانده بود اما نتوانسته بود امتحانات را با موفقیت سپری کند. به همین دلیل او را از مدرسه اخراج کرده بودند. وقتی امتحان تعیین سطح او تمام شد گفت: «یعنی من هم می‌تونم یاد بگیرم بخونم و بنویسم؟!» معلمی که در آن زمان قرار بود به ذبیح درس بدهد توانایی و تجربه کافی برای کار با کودکانی مثل ذبیح را داشته و تابستان آن سال تعدادی از کودکان که ذبیح هم جزو آنها بود توانستند کلاس اول ابتدایی را با موفقیت سپری کنند. ذبیح رفتارهای طغیان‌گرانه و پرخاش‌گرانه داشت. اولین روزی که او سر کلاس من نشسته بود را به یاد دارم؛ تمام مدت کلاس را سوت می‌زد. بعد از کلاس من با او ارتباط برقرار کردم و حرف زدم و این رفتار خیلی مؤثر واقع شد و رفتارهایش به مرور زمان تغییر زیادی کرد. برای مثال روزهای اول وقتی خوراکی زنگ تفریح را بین کودکان تقسیم می‌کردیم، ذبیح کسی بود که به سینی خوراکی‌ها حمله می‌کرد اما بعد از گذشت چند ماه و شرکت در کارگاه‌های مختلف و گفت‌وگوی معلم‌ها رفتار او تغییر کرد و روزی را به خاطر دارم که او منتظر می‌شد تا همه خوراکی بردارند و بعد نوبت به خودش برسد.



روزهای اول نشستن سر کلاس برای ذبیح کار سختی بود و نمی‌توانست تمرکز کند اما الان سر کلاس می‌نشیند و به معلم گوش می‌دهد. اگرچه درس ریاضی برای او سخت است اما در خواندن بسیار پیشرفت کرده است. امسال او پایه سوم را تمام کرد و قرار است پایه چهارم را آغاز کند. او علاقه زیادی به موسیقی و خواندن دارد و چند ماهی است که سر کلاس آموزش گیتار در مؤسسه می‌نشیند. و دوست دارد خواننده شود. او با وجود شرایط سختی که دارد تغییرات بسیاری را در این مدت که به مؤسسه مراجعه کرده است داشته. مددکار مؤسسه از صبح روزی می‌گوید که وارد حیاط مؤسسه شده و دیده که ذبیح روی میز پینگ پونگ خوابیده. شب گذشته او با خواهرش دعویابی داشته و شب از دیوار مؤسسه بالا رفته و به مؤسسه پناه برده بود. او به نسبت گذشته تغییر زیادی داشته و اینجا را خانه و سرپناه خود می‌داند و هربار که برایش مشکلی پیش بیاید به اینجا می‌آید و آن را با مددکار مطرح می‌کند.

ذبیح به هیچ‌کدام از خانواده‌هایی که دارد تعلق خاطر ندارد. نه دوست دارد به شهری که پدرش زندگی می‌کند برود نه دوست دارد پیش خانواده خواهرش بماند. مهر و ماه برای او همچون خانواده‌ای است که مأمّن او شده و از هرجا که دلسرد می‌شود به مؤسسه می‌آید. در مواقعی که تصمیم می‌گیرد پیش پدرش برود، وسایلی چون جاسوئیچی‌اش و یا کارنامه‌اش را که برایش مهم هستند را پیش مددکار مؤسسه می‌گذارد تا از آن‌ها مراقبت کنند.

ذبیح در کودکی سر چهارراه کار می‌کرده و شیشه ماشین‌ها را تمیز می‌کرده اما مدتی است که خواهرش نمی‌گذارد او به سر کار برود چون می‌خواهد که ذبیح از کودکی مراقبت کند و خودش سر کار برود.

به گفته مددکار اجتماعی مؤسسه، ذبیح امروزه مثل سایر کودکان سر کلاس درس می‌نشیند و هیچ پرخاشی را از خود بروز نمی‌دهد.

به روزی فکر میکنم که ذبیح روزهای سختی را پشت سر گذاشته و به آرزویش رسیده است و می‌تواند مثل خیلی از آدم‌ها از زندگی‌اش لذت ببرد.

به امید آن روز

### پیشرفت شعار ماست

اتاقی کوچک پر از تکه پارچه‌های رنگی، جایی که خانه امید زنان مهروماهی است. اینجا کارگاه مهروماه است، زنان محله فرحزاد در این اتاق زیر نظر مربیان حرفه‌ای آموزش می‌بینند و یاد می‌گیرند که می‌توانند با تکیه بر توانایی خود نان‌آور خانواده باشند.

طی چند سالی که از فعالیت کارگاه مهروماه می‌گذرد، زنان بسیاری در این کارگاه آموزش دیده‌اند، تعدادی از آنها آنقدر توانمند شده‌اند که توانسته‌اند در کارگاه‌های دیگر یا به‌طور مستقل برای خود کاری دست‌وپا کنند. برخی دیگر با اتکا به سفارش‌هایی که از مهروماه می‌گیرند روزگار می‌گذرانند. در این مدت مسئولان کارگاه نیز تلاش کرده‌اند با برگزاری جشنواره‌های مختلف و معرفی کارهای مهروماه شرایط را برای کار زنان مهیاتر کنند. بخشی از این زحمات امسال به بار نشست. دوخت کیف‌های پارچه‌ای سومین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی توسط زنان مهروماه بخشی از نتایج تلاش‌های این سال‌ها بود. چندی است که با تلاش موسسات مردم‌نهاد فرهنگ استفاده از کالای ایرانی و به‌طور خاص کالایی که موسسات توانمندسازی تهیه می‌کنند در برگزاری همایش‌های مختلف کشور جا افتاده است. این موضوع در عین حال که کمکی برای اقبال آسیب‌پذیر تحت پوشش این موسسات است، باعث آشنایی گروه‌های مختلف مردم با کالاهای تولیدی آنها می‌شود. مهروماه برای دومین بار در یک سال گذشته توسط نهادهای برگزار کننده همایش انتخاب شد تا این مسئولیت را بر عهده داشته باشد. این مهم میسر نشد جز با حمایت یاران مهروماه که با آموزش‌های خود توانستند اعتماد مخاطبان را برای کالاهای تولیدی موسسه جلب کنند.

پیشرفت، شعار هر روز ما در کارگاه مهروماه است. در این کارگاه تلاش شده و می‌شود پله پله کیفیت و تنوع کارهای تولیدی افزایش یابد تا از این طریق هم زنان توانمندی‌های بیشتری کسب کنند و هم بازار بزرگتری پیش روی آنان قرار گیرد. تهیه مانتو به سفارش افراد مختلف فعالیت جدیدی است که در کارگاه مهروماه آغاز شده است. چشم‌انداز ما این است که با تکمیل آموزش این دوره، کم‌کم وسایل مدرسه از قبیل کیف، مانتو و

روپوش برای کودکان تحت پوشش مهروماه در کارگاه موسسه تولید شود و با تعامل با دیگر مدارس منطقه این فعالیت نیز گسترش یابد. تمام این تلاش‌ها تنها با یک هدف است، توانمند ساختن زنان تا بتوان از این طریق کار مادران را جایگزین کار کودکان کرد. برای حل معضل کودک کار ما باید در ابتدا فقر خانواده این کودکان را به رسمیت بشناسیم و با توانمندسازی والدین با فقر آنها مبارزه کنیم. تنها در سایه چنین سیاستی می‌توان امید داشت روزی تمامی کودکان این سرزمین لذت کودکی کردن را بچشند و هیچ کودکی مجبور به تن دادن به کار برای تأمین معاش خود و خانواده‌اش نباشد.



## مهر را به سفره‌ها آورده‌ایم



دستانش بوی نان می‌دهد؛ بوی تلاش، بوی مادری. صبح زود از خواب بیدار می‌شود، سفره‌ای پهن می‌کند چای را دم می‌کند و کودکان را بر سر سفره خود می‌نشانند. این آغاز روز اوست. روز مریم و بسیاری از زنان دیگر مهروماه. مریم تا چندی پیش برای گذران زندگی خود و کودکش در

مضيقه بود، بیکاری همسر، او را نان‌آور خانه کرده است. اما چه کاری از دست مریم و زنانی مانند او برمی‌آید؟ بعضی از آنها در کلاس‌های مهارت‌آموزی مهروماه شرکت کرده‌اند، کاری یاد گرفته‌اند و کمک‌خرجی برای خانه هستند اما بار زندگی سنگین‌تر است. مریم چند باری در دوره‌های کوچک مهروماه غذایی پخته و دوستانش را بر سر سفره‌اش دعوت کرده است. مهارت او تحسین همه را برانگیخته. «مریم تو آب هم می‌پزی خوشمزه می‌شود». این جمله نه فقط در وصف مریم که در وصف زنان بسیاری در مهروماه به زبان آمده است. همین تجربه‌های کوچک بود که ما را بر آن داشت تا از این مهارت استفاده کنیم. آیا می‌توان طعم و بوی خالص غذای این زنان را میهمان‌خانه‌های بیشتری کرد؟ پیش‌نیازهایی لازم بود. شرط اول یادگیری اصول پخت حرفه‌ای و بهداشتی است. مهروماه برای این هدف، از یک مربی حرفه‌ای آشپزی کمک گرفت تا ضمن یاد دادن نکات مهم در آشپزی حرفه‌ای اصول بهداشتی کار زنان را نیز زیر نظر داشته باشد. نیاز دوم، مواد اولیه بود، به همت یاران مهروماه این مواد نیز تهیه شد و در اختیار زنان قرار گرفت. نیاز سوم بازاریابی بود. مهروماه تلاش کرد در کنار ارائه صنایع دستی زنان، محصولات غذایی آنان را نیز به مخاطبان ارائه دهد. در نتیجه این تلاش‌ها «مهرچین» چندماهی است که فعالیت خود را آغاز کرده است اما برای ادامه این مسیر همراهی شما نیاز است. با همراهی هم می‌توانیم مهر را به سفره‌هایمان هدیه دهیم.

## بزرگ‌تر گام برمی‌داریم

۲۹

«پدرش متوجه تفاوت رفتار فرزندانمان شده است، از وقتی پسرمان به کلاس‌های پیش‌دبستانی می‌آید مؤدب‌تر شده، کمتر دعوا می‌کند، نظافت شخصی خود را رعایت می‌کند و حتی به ما نیز مواردی را آموزش می‌دهد. همسر من می‌گوید کاش کودکان دیگرانمان هم این آموزش‌ها را دیده بودند. کاش ما هم زودتر یاد می‌گرفتیم چطور باید با کودکانمان رفتار کنیم». اینها صحبت‌های مادر یکی از کودکان مهروماهی است. مادری که در تلاش است تا با آموزش‌هایی که در موسسه می‌بیند روزهای بهتری برای خانواده‌اش رقم بزند.

مهروماه در زمان تأسیس هدف اصلی خود را در دو حوزه توانمندسازی زنان و کودکان تعریف کرد. این موضوع با توجه به نیاز منطقه و البته توانایی‌ها و امکانات موسسه در بدو تأسیس تعیین شد اما در همان زمان نیز بر آن بودیم تا با شناخت بیشتر از محیط و گسترش امکانات خود حوزه‌های کاری دیگری را نیز برای خود تعریف کنیم. تجربه مهروماه نشان می‌داد توانمند ساختن کودکان نیازمند رشد آنها در محیط سالم خانواده



است و ساختن محیطی امن برای کودکان در خانه جز با آموزش به اعضای خانواده به‌ویژه مادران ممکن نیست. از این‌رو آموزش‌های فرزندپروری در کنار سوادآموزی زنان و مهارت‌آموزی به آنان پیش برده شد. این آموزش‌ها اثر مثبتی بر شیوه تربیت کودکان و نحوه رفتار مادران گذاشت با این وجود یک کمبود بزرگ در آن احساس می‌شد و آن دوربودن پدران از چرخه آموزش بود. ما در مهروماه و در برخورد با تجارب خانواده‌ها به این باور رسیدیم در صورتی که پدران نیز در فرآیند آموزش سهیم شوند اثرگذاری آن بر کودکان چند برابر خواهد بود. در این میان مددکاران اجتماعی و روانشناسان موسسه سعی می‌کردند در موارد مشخص، پدران را نیز وارد فرآیند مشاوره کنند که نتایج موفقیت‌آمیزی نیز به دنبال داشت. به دنبال این نتایج مهروماه بر آن شد دوره‌های آموزشی برای پدران را نیز برگزار کند. شروع این دوره‌ها به سال گذشته بازمی‌گشت که در برنامه‌ای در ماه رمضان از پدران برای حضور در میهمانی مهروماه دعوت شد. اگرچه در بدو امر انتظار مشارکت بالایی نداشتیم اما واقعیت به شکل متفاوتی رقم خورد و استقبال خوبی از این برنامه شد. در گفت‌وگو با پدران به این نتیجه رسیدیم سوادآموزی یکی از نیازهای مهم این گروه است. به همین دلیل برنامه آموزش به پدران را در دستور کار قرار دادیم. متأسفانه به دلیل نبود معلم سوادآموزی برای آقایان این کار تا به امروز به تعویق افتاد اما از ابتدای سال تحصیلی جاری، پدران نیز میهمان مهروماه خواهند بود تا با یاری همراهان ما درهای جدیدی به روی خود باز کنند، آنها تلاش می‌کنند تا یاد بگیرند و این یادگیری بی‌شک در مسیر زندگی آنها و فرزندانشان اثرات مثبتی خواهد داشت. ما در کنار هم می‌توانیم آینده زیباتری برای فرزندان این مرزوبوم بسازیم و خودمان نیز در سایه این آینده زیباتر در آرامش بیشتری زندگی را ادامه دهیم.

لیوان چای را با لبخندی که به زور روی لبش نقش بسته روی میز می گذارد. تشکر می کنم و از او می خواهم چند دقیقه ای کنار من بنشیند و از زندگی اش برایم بگوید. مرحله مثل اینکه منتظر این فرصت بود تا با کسی درد دل کند. به درخواستم پاسخ مثبت می دهد و روی صندلی روبه رو می نشیند. از او سنش را می پرسم. می گوید ۳۰ سال دارم اما چهره اش عددی بیشتر از ۳۰ را نشان می دهد. می گویم از ازدواجت برایم بگو و او بی معطلی شروع می کند به شرح داستان ازدواج و زندگی مشترکش.

«۱۷ سالم بود که با پسراییم ازدواج کردم. همدیگرو دوست داشتیم. تو شهر هرات زندگی می کردیم. دو سال از ازدواجمون گذشته بود که شوهرم برای کار اومد تهران. اوایل همه چی خوب بود. شوهرم بنایی می کرد و تو کارش اوستا بود. اما کم کم همه چی عوض شد. شروع کرد به مصرف مواد مخدر. اوایل تریاک بود ولی بعدش شیشه مصرف می کرد.

الان ده ساله که معتاده.»

می پرسم بچه هم داری؟

می گوید: «بله، دو تا. یه دختر یه پسر. ۱۷ سالم بود که حامله شدم. فرهاد بچه بزرگمه و از ۹ سالگی شروع کرد به فروختن فال اما هیچ وقت دخترم رو برای کار کردن نفرستادم بیرون.»

می پرسم چطور با مؤسسه آشنا شدی؟

«خواهرشوهرم تو فرحزاد زندگی می کرد. یه روز بهم گفت اینجا یه مؤسسه ای هست که به زنهایی که شوهرشون معتاده کمک می کنه. من هم اومدم اینجا و با مددکاری حرف زدم و مشکلم رو بهشون گفتم. کمک کردن تا شوهرم بره کمپ و ترک کنه. دو ماه موند تو کمپ تا ترک کنه. وقتی برگشت همه چی خوب بود تا اینکه مادرش سکنه کرد و دیگه طاقت نیاورد و دوباره شروع کرد به مصرف شیشه. الان هم چهار پنج روز تو ماه می ره بنایی می کنه و پول موادش رو درمیاره وقتی هم که پولش تموم میشه از پول من می گیره.»



راحله یک سالی هست که در آشپزخانه مهر و ماه مشغول به کار است. روزهایی که همسرش از کمپ برگشته بود را به خاطر دارم. راحله با روحیه‌ای مثبت و با چهره‌ای شاداب‌تر بود. لباس‌های رنگی می‌پوشید و به سر و وضعش بیشتر می‌رسید. از او می‌پرسم تا حالا به طلاق فکر کردی؟

می‌گوید: «دلم نمی‌خواه طلاق بگیرم. دوسش دارم. قسمت من هم این بوده دیگه. شوهرم خودش پشیمونه. می‌گه بهترین بنا بودم ولی حالا بین وضعم چطوریه. وقتی فرهاد رو برای خریدن سیگار به مغازه می‌فرسته مدام بهش می‌گه مبادا وسوسه بشی و بخوای سیگار بکشی.»

بیشتر ارتباط راحله در مؤسسه با واحد مددکاری اجتماعی است. از روزهایی که همسرش با اعتیاد دست و پنجه نرم می‌کرد و راحله به دنبال راهی برای نجات او بود برایم می‌گوید، از اینکه وقتی مددکار مؤسسه فهمیده که فرهاد در خیابان فال می‌فروشد به راحله گفته که باید خودش کار کند و نگذارد پسرش فال بفروشد. راحله قبول می‌کند و به دنبال کار می‌گردد اما هیچ جایی کاری پیدا نمی‌کند تا اینکه در مؤسسه مشغول به کار می‌شود.

راحله در این مدتی که ازدواج کرده همیشه آرزوی زندگی خوب و راحت را داشته. دلش می‌خواهد همسرش معتاد نباشد و پسرش مثل پدرش نشود.

همچنان که راحله از سختی‌های زندگی‌اش برایم می‌گوید به خودم و راحله فکر می‌کنم، به اینکه هر دو در یک سن هستیم اما با تجربیاتی متفاوت، به اینکه راحله در این سن چقدر تلاش می‌کند تا مادر خوبی برای فرزندانش باشد و به خوب شدن حال خانواده کمک کند.

وقتی از راحله برای حرف زدن با من تشکر می‌کنم و او اتاق را ترک می‌کند در خیال خود به خانواده او فکر می‌کنم و دلم می‌خواهد زندگی روی خوشش را به آن‌ها نشان دهد و راحله مثل روزهایی که همسرش از کمپ برگشته بود لبخند شیرینی بر لبانش بنشیند و با امید بیشتری به زندگی ادامه دهد.

برای حفظ حریم شخصی این افراد از اسامی مستعار به جای اسامی واقعی آن‌ها استفاده شده است.



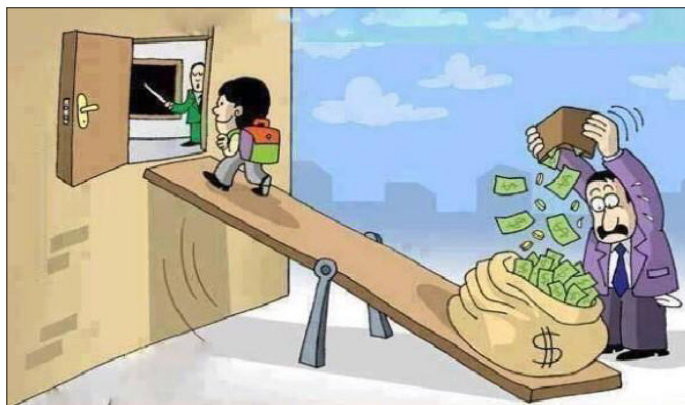
## مهر از آن همه کودکان است



شهریور ماه خاصی است، ماهی که گرمای تابستان کم‌کم جای خود را به خنکای پاییز می‌دهد، ماهی پر از جنب‌وجوش. کودکان از یک‌سو تلاش می‌کنند لحظه‌به‌لحظه روزهای پایان تعطیلات را غنیمت بشمارند و از طرف دیگر خود را برای رفتن به مدرسه آماده می‌کنند. با این حال شهریور برای برخی دیگر از کودکان روی دیگر خود را نشان می‌دهد؛ آیا پدر و مادرم می‌توانند امسال هم مرا به مدرسه بفرستند؟ من آن‌قدر بزرگ‌شده‌ام که از من انتظار کار کردن دارند؟ باید باربردار خانواده باشم یا باری بر دوششان؟ این استرس را در نگاه خیلی از کودکان دیده‌ام. کودکانی که روزگاری متفاوت از دیگر همسالان خود می‌گذرانند. متأسفانه آموزش در کشور ما تبدیل به کالا شده است، کالایی که باید برای کسب آن پول پرداخت کرد و هرکس قیمت بیشتری بپردازد احتمالاً از امکانات بالاتری هم برخوردار می‌شود. این موضوع عملاً با پیمان‌نامه حقوق کودک و قانون اساسی کشور که در هر دو بر حق آموزش رایگان تأکید شده است در تضاد است. پولی‌شدن آموزش عملاً هم خانوارهای طبقه متوسط و هم خانواده‌های کم‌درآمد را دچار مشکل کرده است. طبقه متوسط در هراس است تا مبادا کودکش از دیگر همسالان عقب بماند و به همین دلیل دائم تلاش می‌کند با کار بیشتر و بیشتر هزینه تحصیل گران و گران‌تر را برای

فرزندش مهیا کند و خانواده‌های کم درآمدتر نیز گاهی قید تحصیل کودکان خود خصوصاً دختران را می‌زنند. برای کودکان مهاجر شرایط دشوارتر است، آنها از یک طرف با موانع مربوط به کسب اوراق هویتی روبه‌رو هستند و از طرف دیگر هزینه بالای تحصیل آنها و خانواده‌هایشان را تحت فشار قرار می‌دهد.

ما در مهروماه سال‌هاست می‌کوشیم تا با این روند مقابله کنیم، معتقدیم تحصیل حق تمامی کودکان است و کوشیده‌ایم با یاری همراهمان این حق را به کودکان بازگردانیم، اگرچه تلاش ما نباید باعث شود وظیفه دولت در تأمین آموزش رایگان نادیده انگاشته شود. برای این منظور امسال نیز مهروماه با یاری حامیان خود توانست لوازم و بسته تحصیلی را برای ۲۴۰ کودک تهیه کند. علاوه بر این با یاری همراهمان ۱۵۰ کودک نیز تحت پوشش کامل حمایت تحصیلی مهروماه هستند. مهروماه برای تمامی این ۱۵۰ کودک هزینه ثبت‌نام را می‌پردازد، وسایل مدرسه از قبیل لوازم‌التحریر، کتاب و پوشاک را تهیه می‌کند و در طول ۹ ماه تحصیلی این کودکان را تحت پوشش حمایت تحصیلی قرار می‌دهد.



### پیش به سوی آموزش اولیه

آموزش پیش‌دبستانی مهروماه نیز امسال گسترده‌تر از سال قبل ادامه پیدا می‌کند. متأسفانه پولی‌سازی آموزش در پایه پیش‌دبستانی به‌طور کامل اتفاق افتاده است و خانواده‌ها تنها با صرف مبالغ کلان می‌توانند کودکان خود را در این دوره ثبت‌نام کنند. مهروماه برای مقابله با این روند دوره‌های پیش‌دبستانی را برگزار می‌کند و امسال نیز ۹۰ دانش‌آموز در

این دوره‌ها حضور می‌یابند. این کودکان در کلاس‌های مهروماه می‌نشینند یاد می‌گیرند چگونه با دیگران تعامل کنند، چگونه با دست‌های کوچکشان کاردستی‌های زیبا بسازند و چگونه از خود در شرایط مختلف محافظت کنند.



### با هم در مدرسه

امسال هم با تمام تلاش‌هایی که مهروماه برای ثبت‌نام کودکان در مدارس داشت باز هم کودکانی بودند که به دلیل کبر سن یا اقدام نکردن خانواده‌ها برای دریافت کارت هویتی از مدرسه جا می‌ماندند. با تلاش مهروماه این کودکان نیز می‌توانند از ابتدای سال تحصیل در مدرسه حضور داشته باشند. این کودکان با همکاری یکی از مدارس منطقه زیر نظر معلمان مدرسه در ۴ روز از ساعت ۲ تا ۶ بعدازظهر آموزش ببینند و در همین مدرسه سال تحصیلی را بگذرانند. البته موسسه نیز بر فرایند آموزش نظارت دارد و این کودکان به مدت دو روز در هر هفته در ساعت‌های صبح تحت آموزش مهارت‌های زندگی قرار می‌گیرند و به امور درسی آنها رسیدگی می‌شود. در صورت نیاز به آموزش‌های مکمل نیز موسسه این امکانات را در اختیار کودکان قرار دهد.

تلاش ما در مهروماه این است که تمامی کودکان بتوانند در مدارس ثبت‌نام کنند و از آموزش‌های مناسب برای رشد و پرورش خود بهره‌مند شوند. تا رسیدن به آن روز اما ما در کنار این کودکان می‌مانیم و نمی‌گذاریم مشکلات جانبی آنها را از بدیهی‌ترین حق‌شان یعنی تحصیل محروم کند.

## گزارش تصویری

۳۶



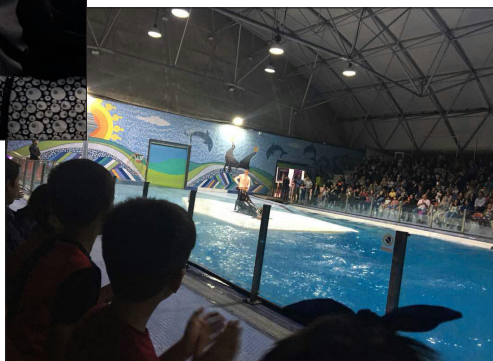
تنت سالم و دلت خوش:  
در سال ۹۷ در زنان و کودکان  
مهروماه توسط پزشکان معاینه  
عمومی شدند و در صورت وجود  
مشکل یا بیماری به واحد مددکاری  
ارجاع شدند تا پیگیری‌ها برای  
درمان صورت گیرد.



دختران مهروماهی در جشن مهرکتاب: در این برنامه که با همراهی سه مؤسسه مهر و ماه، مهر طه و پرنده درخت کوچک برگزار می‌شود، هر سال نوجوانان با کتاب‌های برگزیده سال گذشته آشنا می‌شوند و این کتاب‌ها در اختیارشان قرار می‌گیرد و در طول سال و در جلسات نقد کتابی که هر هفته برگزار می‌شود به بررسی و نقد کتاب‌ها می‌پردازند. در پایان مراسم، تعدادی از کتاب‌های کودک و نوجوان به عنوان کتاب برتر توسط نوجوانان شرکت کننده انتخاب و جوایزی به نویسندگان برگزیده اعطا شد.



لبت پر خنده کودک من: بهار و تابستان امسال کودکان مهرماه در اردوهای متنوعی که برای آنها مهیا شده بود شرکت کردند. امید ما این است این لبخندها هر روز بر صورت کودکان این سرزمین بنشینند.



نوای موسیقی در خانه فرهنگ مهروماه: تابستان امسال کلاس‌های دف، سرود، فلوت و بلز در مهروماه برگزار شد و کودکان و نوجوانان علاقمند در این کلاس‌ها شرکت کردند.





تقدیم به تو که لایق کودکی کردنی: به همت  
 یاران مهروماه امسال نیز لوازم و وسایل  
 تحریر برای کودکان مهروماه تهیه شد تا آنها  
 نیز بتوانند با شوقی بیشتر سال تحصیلی را  
 آغاز کنند.





نقاشی‌ها جان می‌گیرند: کودکان مهرماه ساخت عروسک‌بند انگشتی ساده رو تجربه می‌کنند. هر کدام از کودکان نقاشی خودشان رو می‌کشند و با بریدن این نقاشی‌ها و تبدیل آنها به عروسک انگشتی سرودهایی به صورت نمایشی اجرا می‌کنند.



دوستی دست‌ها و رنگ‌ها: کودکان مهروماه بر صفحه کاغذ آنچه در ذهن دارند می‌آورند. کلاس‌های با من بخوان و نقاشی فرصتی برای اینکه کودکان استعداد‌های نهفته خود را بروز دهند.



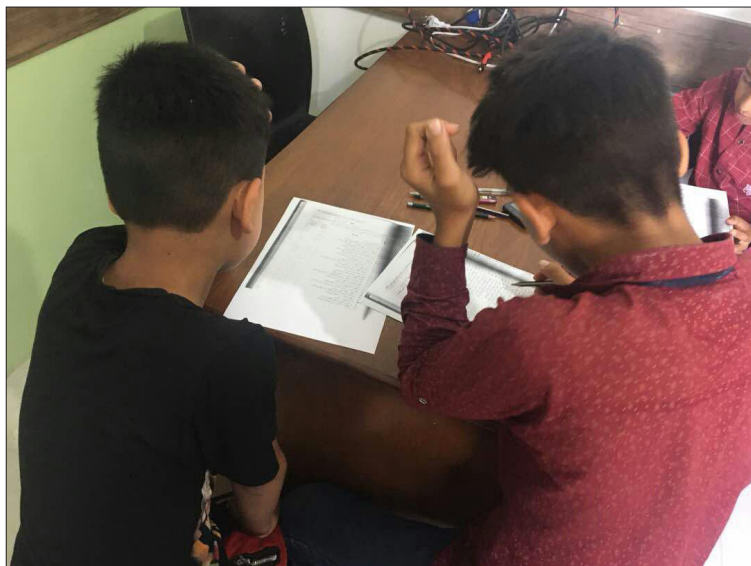
ورزش، تفریح، سلامتی: کلاس‌های ورزش مهروماه در تابستان امسال شور و شوق دیگری داشت.



یک پایان شاد: مادران کودکان پیش دبستانی کارنامه فرزندانشان را تحویل می‌گیرند.



تلاش و همت برای یادگیری: آنقدر با دقت مشغول درس بودند که متوجه نشدند سوژه عکاس شده‌اند. این کودکان برای ساختن فردایی بهتر خود را آماده می‌کنند.



جشن کودکانه در خانه کودک قلعه بهادر: کودکان زلزله‌زده فارغ از غوغای روزگار  
ساعتی رو در کنار هم به خنده و شادی می‌گذرانند.



با هم می‌آموزیم: پیشرفت ممکن نیست مگر با یادگیری دائم و پر کردن خلاءهای آموزشی. با همین هدف برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای همیاران و همکاران مهروماه همیشه مدنظر بوده است. کارگاه تاب‌آوری اجتماعی با حضور فعالان مهروماه



در کنار هم می‌توانیم: فعالیت‌های مهروماه ممکن نیست جز با همراهی شما عزیزانی که همواره در کنار ما بوده‌اید. قدردان زحماتتان هستیم.





مهرماه، موسسه تخصصی آموزش زبان و مکالمه، با بهره‌گیری از روش‌های نوین آموزشی و استفاده از اساتید مجرب، آماده ارائه خدمات آموزشی است. این موسسه با تکیه بر روش‌های مبتنی بر نیازهای فراگیر، به شما کمک می‌کند تا به تسلط کامل در زبان انگلیسی دست یابید. همچنین، با برگزاری دوره‌های تخصصی و کارگاه‌های آموزشی، به شما امکان می‌دهد تا مهارت‌های خود را به‌روز کنید و در محیط‌های کاری و تحصیلی به‌کار ببرید. برای اطلاعات بیشتر و ثبت‌نام، با ما تماس بگیرید.



تهران :: اتوبان یادگار امام شمال :: خیابان ایثارگران شمالی  
خیابان امام زاده داوود :: کوچه عمویی :: پلاک 4

۰۲۱-۲۲۳۸۲۶۶۵



[www.mehr-o-mah.com](http://www.mehr-o-mah.com)

۰۲۱-۲۲۳۸۵۲۶۴



[info@mehr-o-mah.com](mailto:info@mehr-o-mah.com)

@mehromahngo



@mehromah.ngo

